

تحوالات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسأله غرب

جهانگیر کرمی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - بهار ۱۳۸۴

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

کرمی، جهانگیر، ۱۳۴۵ -

تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسأله غرب / جهانگیر کرمی؛ [به سفارش]
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.
۲۳۵ ص.

ISBN 964- 361- 269- 4:

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)

۱. روسیه - سیاست و حکومت - ۱۹۹۱. ۲. روسیه - روابط خارجی. الف. ایران. وزارت
امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ب. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و
انتشارات. ج. عنوان.

۹۴۷/۰۸۶

ت ۳ ک ۴ / ۲۹۳ DK

۴۸۴-۳۷۹۳

کتابخانه ملی ایران

تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسأله غرب

جهانگیر کرمی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: شهرزاد نهرانی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: مینی سیتی، میدان شهید محلاتی، خیابان نخل، خیابان وزارت امور خارجه

تلفن: ۷-۲۴۵۸۶۰۴، دورنگار: ۳-۲۴۵۸۶۰۳

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶، تلفن: ۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۹۲۲۷۰

فهرست مطالب

مقدمه	۹
بخش نخست: چارچوب نظری مطالعه سیاست خارجی	۱۵
۱- تحول نظریه پردازي سياست خارجي	۱۷
الف) نگرش تبیینی	۱۸
ب) نگرش تأسیسی	۲۳
پ) نگرش تکوینی	۲۶
۲- مفهوم هویت و اهمیت آن برای مطالعه سیاست خارجی دولت‌ها	۳۰
۳- رابطه هویت دولت با منافع ملی و رفتارهای خارجی	۳۵
الف) هویت و منافع پایدار: سیاست خارجی یکسان	۳۵
ب) ناپایداری هویتی: سیاست خارجی به عنوان فرایند بیگانه‌سازی	۴۰
پ) تکوینی بودن هویت: نقش‌های دگرگون‌شونده برای دولت	۴۳
بخش دوم: شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه	۴۹
۱- عوامل داخلی	۵۰
الف) متغیرهای فردی	۵۰
ب) متغیرهای اجتماعی	۵۷
پ) متغیرهای دولتی	۶۰
ت) تحلیل‌های چند متغیری	۶۱
۲- گفتمان‌های سیاست خارجی	۶۳
الف) گفتمان آتلانتیک‌گرایی	۶۴

- ۶۵ (ب) گفتمان اوراسیاگرایی
- ۶۵ (پ) گفتمان ملی‌گرا
- ۶۷ ۳- قدرت و ساختار نظام بین‌المللی
- ۷۰ ۴- هنجارها و نهادهای بین‌المللی
- ۷۳ بخش سوم: هویت دولت روسیه
- ۷۴ ۱- تحول هویت دولت روسی
- ۷۵ الف) هویت ملی
- ۹۰ (ب) جایگاه و موقعیت
- ۹۶ (پ) نقش و مأموریت
- ۹۹ ۲- بحران هویت در روسیه جدید
- ۱۰۰ الف) امپراتوری یا دولت - ملت
- ۱۰۵ (ب) ادغام در غرب یا اتحاد استراتژیک اوراسیایی
- ۱۱۰ (پ) قدرت بزرگ جهانی یا منطقه‌ای
- ۱۱۵ بخش چهارم: سیاست خارجی دولت روسیه در قبال غرب
- ۱۱۶ ۱- سیاست همکاری و ادغام
- ۱۱۶ الف) همکاری با غرب (۱۹۸۷-۱۹۹۱)
- ۱۲۰ (ب) تلاش برای ادغام در غرب (۱۹۹۱-۹۳)
- ۱۲۶ ۲- رقابت و جنگ سرد جدید
- ۱۲۶ الف) آغاز نگرانی‌ها و شکل‌گیری جریان‌های مخالف (۱۹۹۳-۹۵)
- ۱۳۳ (ب) سیاست نگاه به شرق (۱۹۹۶-۹۸)
- ۱۳۸ (پ) جنگ سرد جدید (۱۹۹۹ - ۲۰۰۰)
- ۱۴۵ ۳- همکاری در برابر تهدید مشترک (۲۰۰۱-۲۰۰۵)

۱۵۰	الف) آمریکا
۱۶۰	ب) پیمان ناتو
۱۶۳	پ) اتحادیه اروپا
۱۸۱	بخش پنجم: تحلیل و نتیجه گیری
۱۹۷	ضمیمه: سند تدبیر سیاست خارجی روسیه
۲۲۱	کتابنامه

پس از آنکه میخائیل گورباچف قدرت را در اتحاد جماهیر شوروی به دست گرفت، "اندیشه جدید سیاست خارجی" کشورش را اعلام کرد که در آن بسیاری از اصول و عملکردهای خارجی مورد بازنگری قرار گرفتند. این اندیشه در مقابل مفاهیمی مطرح شد که از زمان پیروزی انقلاب بلشویکی بر روابط شوروی و دیگر دولت‌های جهان حکم‌فرما بود. مقامات اتحاد شوروی تا پیش از گورباچف، روابط بین‌الملل را براساس "تحلیل طبقاتی جنگ اجتناب‌ناپذیر میان نظامهای اجتماعی" درک می‌کردند و از نگاه آنها، "جهان برحسب مبارزه طبقاتی میان نیروهای پیشرو (طبقه کارگر و متحدان آن) و دشمنان سرمایه‌دار به دو قطب سوسیالیسم و کاپیتالیسم تقسیم می‌شد.^(۱) اگرچه بعدها به مدد ایده "همزیستی مسالمت‌آمیز"، جنگ میان دو نظام، جای خود را به رقابت و درگیری در نقاط دورتر از مرکز داده‌بود.

بازنگری گورباچف، نگرش به امنیت ملی، دکتترین نظامی و طبعاً نگرش به مسائل بین‌المللی را دگرگون ساخت و منجر به پایان مداخله نظامی در افغانستان، کمک به حل و فصل بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای، درخواست عضویت در مجامع اقتصادی بین‌المللی، همکاری با نهادهای بین‌المللی، آمادگی برای محدودکردن جنگ‌افزارها، برقراری روابط دوستانه با قدرت‌های بزرگ شد. تحولات اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹ جریان اصلاحات را در اتحاد شوروی تشدید نمود و با انجام سفرهای متعدد از سوی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه به پایتخت‌های غربی و انعقاد موافقتنامه‌های سیاسی و اقتصادی، مفهوم "ارزش‌های مشترک بشری" جایگزین مفهوم "جنگ طبقاتی میان دو اردوگاه سوسیالیست و سرمایه‌داری" شد و بر همبستگی اتحاد و صلح میان ملت‌ها

1- Neil Rabinson, *Russia: A State of Uncertainty* (New York: Routledge, 2002), p.136.

تأکید گردید.^(۱) از نظر گورباچف «آزادی از ترس جنگ هسته‌ای و درگیری نظامی، تمایل به بهره‌برداری از پیشرفت‌های اقتصادی و امنیت محیط مشترک انسانی درگرو یک سیاست بین‌المللی مبتنی بر همکاری از طریق نهادهای بین‌المللی بود.»^(۲)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست خارجی روسیه جدید فراتر از مفاهیم مورد نظر گورباچف رفت. روسیه از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به سمت غرب گرایش یافت و این موضوع با اشتیاق دولت‌های غربی روبه‌رو شد. روسیه جدید که ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک و اقتصاد بازار آزاد را وجهه همت خود قرار داده بود، سیاست همگامی و همراهی با غرب را در عرصه بین‌المللی برگزید به ویژه طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ کمترین مخالفتی با اقدامات آمریکا و اروپا نمود.

اما هنوز دیرزمانی از حاکمیت تفکر جدید بر سیاست خارجی روسیه نگذشته بود که به تدریج میان نخبگان و در جامعه روسیه، گرایشی پدیدار شد که نشان از بروز نوعی بدبینی و نگرانی نسبت به سیاست‌های غرب داشت و به انتقاد از عملکرد سیاست خارجی مسکو در این رابطه می‌پرداخت. پیروزی ملی‌گرایان افراطی در انتخابات سال ۱۹۹۳، پیدایش مفهوم خارج نزدیک در مورد دولت‌های جدا شده از شوروی، اعلام دکترین موروته روسی در این رابطه، و اقدام نظامی در گرجستان، ارمنستان، تاجیکستان و چین، با روح سیاست خارجی جدید سازگار نبود و این فعالیت‌های نظامی مورد انتقاد دولت‌های غربی قرار گرفت. پنج سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی، همکاری و همگرایی با جهان غرب، دیگر آن محور چالش‌ناپذیر سیاست خارجی به شمار نمی‌آمد و با برکناری آندره کوزیرف وزیر خارجه مشهور به طرفداری از سیاست اتحاد با غرب، در سال ۱۹۹۶ یوگنی پریماکف سکان سیاست خارجی روسیه را در دست گرفت. او بر

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

- کورش احمدی، تفکر نوین سیاسی در سیاست خارجی شوروی (تهران: نشر فومس، ۱۳۷۰).

- میخائیل گورباچف، دومین انقلاب: پراسترویکا، ترجمه عبدالرحمن صدریه (تهران: نشر آبی، ۱۳۶۷).

این باور بود که روسیه باید با اتخاذ سیاست نگاه به شرق، به طرف اتحاد استراتژیک با دولت‌های چین و هند حرکت کند. مسائلی که در ارتباط با بوسنی و یوگسلاوی اتفاق افتاد، برنامه گسترش ناتو، تداوم اقدامات در مورد عراق و سرانجام تحقیری که در بحران کوزوو (۱۹۹۹) از سوی امریکا و ناتو نسبت به روسیه اعمال شد، مقامات روس را واداشت تا با واقع بینی بیشتری نسبت به روابط با غرب نگاه کنند. شدت عمل روس‌ها در قضیه داغستان و چچن (۲۰۰۰-۱۹۹۹)، اقدامات نهادینی چون بازگشت پریماکف نخست وزیر روسیه از نیمه راه سفر به واشنگتن (به خاطر آغاز حملات نظامی ناتو علیه یوگسلاوی)، خروج یلتسین از نشست کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در استانبول (در آذرماه ۱۳۷۸)، تعلیق ترتیبات امنیتی ناشی از همکاری روسیه با ناتو و ترک شورای ناتو، و تصویب اسناد جدیدی پیرامون مفهوم سیاست خارجی و دکترین نظامی در آوریل سال ۲۰۰۰، همگی نشان از پیدایش نوعی عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه بود که مفاهیم و مبانی تفکر جدید سیاست خارجی را زیر سؤال برده و دوره‌ای از رقابت را - اگر نه در سطح جهانی - در برخی مناطق و موضوعات بر روابط روسیه با غرب ایجاد کرد.

اگرچه، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، به تدریج روابط روسیه و امریکا از وضعیت پیشین به سمت همکاری بر محور مبارزه با "تهدید مشترک" پیش رفت و دوره‌ای جدید آغاز شد که با وجود برخی نگرانی‌ها در طرف روسی (در مورد حضور نیروهای غربی در افغانستان و آسیای مرکزی، نفوذ روزافزون امریکا در مناطق همجوار روسیه و یکجانبه‌گرایی حاکم بر رفتارهای خارجی امریکا در مناطق مختلف جهان) روند کلی روابط نشان از تمایل مسکو به همکاری با واشنگتن دارد.

به هر حال، سیاست خارجی دولت‌ها امری پویاست که در گذر زمان و بسته به موضوعات گوناگون دچار تحول و دگرگونی می‌شود. این دگرگونی ممکن است آهسته، تدریجی و در تاکتیک‌ها یا سریع، آنی و در بنیادها و جهت‌گیری‌ها باشد. از این رو، در مطالعه سیاست خارجی دولت‌ها هم به تداوم و هم به تغییر توجه می‌شود. اما ژرفا و

گستره دگرگونی و تغییر سیاست خارجی روسیه بویژه در قبال غرب، فراتر از تغییرات تاکتیکی ساده و حتی استراتژیک بوده و گونه‌ای جابجایی پارادایمی و دگردیسی را به ذهن می‌آورد. تحولی که در رفتارهای خارجی شوروی صورت گرفت، به واقع یک انقلاب بود و پس از آن، سیاست خارجی مسکو دچار نوعی سردرگمی و نوسان گردید که از نظر برخی محققان نشان‌دهنده وضعیتی منحصر است. هدف ما در این نوشته آنست که چرایی این سردرگمی و ابهام را بیان کنیم.

در این کتاب کوشش شده است تا با در نظر گرفتن چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه جدید و دگرگونی در هویت دولت آن، تحولات رفتارهای خارجی آن در قبال جهان غرب مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، در فصل نخست به ارائه یک چارچوب نظری برای مطالعه سیاست خارجی کشورها پرداخته شده است. در این بررسی نظری، سه نگرش اساسی حاکم بر مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی مطرح شده و نگرش تکوینی به عنوان مدل نظری مناسب برای مطالعه سیاست خارجی روسیه جدید انتخاب شده است.

بخش دوم به بنیادهای اساسی شکل‌دهنده جریان سیاست خارجی روسیه در سطوح فردی، اجتماعی، دولتی، ترکیبی و نیز عواملی چون گفتمان‌های کلان حاکم بر سیاست کشور، قدرت و ساختار نظام بین‌المللی، هنجارها و نهادهای بین‌المللی و چگونگی تأثیر آنها بر رفتارهای خارجی مسکو پرداخته است. در واقع، هدف ما در این بخش آنست که از منظر نظریه‌ها و قالب‌های فکری موجود در چارچوب دو نگرش تبیینی و تأسیسی به سیاست خارجی روسیه نگاه کنیم. این نگاه به ما کمک می‌کند که تحلیل جامعی از شکل‌گیری رفتار خارجی دولت روسیه جدید ارائه شود.

بخش سوم، هویت دولت روسیه را از دیدگاه نگرش تکوین‌گرایی مطرح نموده و با بررسی تحولات آن در سه بعد هویت ملی، جایگاه و موقعیت، و نقش و مأموریت، به بحران هویت در دولت (امپراتوری یا ملت - دولت)، جایگاه بین‌المللی (غربی یا اوراسیایی)، و نقشی که برای خود قائل است (جهانی یا منطقه‌ای) پرداخته است. سخن

اصلی این فصل آن است که روسیه جدید هنوز نتوانسته است که میان این ساحت‌های مختلف، بطور قاطع یکی را برگزیند.

در بخش چهارم با عنوان سیاست خارجی دولت روسیه در قبال غرب، تحولات سیاست خارجی روسیه در سه مرحله همکاری و ادغام‌گرایی، رقابت و جنگ سرد جدید، و همکاری در برابر تهدید مشترک مورد کند و... قرار گرفته است. در این بخش هدف ما آن است که بدون ورود به علت رفتارها، خود رفتارهای متعارض را در هر دوره نشان داده و شاخص‌های اصلی آن را بیان کنیم. و سرانجام در واپسین بخش، تحلیل جامعی از سیاست خارجی روسیه در قبال غرب و چرایی آن آمده است. در این بخش، با اشاره به تحلیل‌هایی که در نگرش‌های مختلف از رفتار خارجی روسیه در قبال غرب مطرح شده، سیاست خارجی مسکو به عنوان "نمودی از بحران هویت دولت در شرائط پس از فروپاشی" در ابعاد مختلف مورد بحث قرار گرفته است. این مباحث نشان می‌دهد که نگرش‌های تکوین‌گرا قادر هستند که با فراتر رفتن از مباحثی چون قدرت، منافع ملی، و ساختارهای داخلی و خارجی موثر بر دولت، هویت دولت را به عنوان سرچشمه اصلی تعریف منافع و توجیه رفتارها در پیش چشم تحلیل‌گران قرار دهند و سیاست خارجی روسیه در قبال غرب طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ یکی از مواردی است که به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد.

کوشش نگارنده در تدوین این کتاب مدیون زحمات اساتید بزرگواری است که در دوران تحصیل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از محضرشان کسب فیض نموده‌ام؛ آقایان دکتر قاسم افتخاری، دکتر عبدالله رمضان زاده، سرکار خانم دکتر الهه کولایی دکتر هادی سمتی، دکتر ناصر هادیان، دکتر یوسف مولایی و نیز آقای دکتر محمد کاظم سجادی‌پور، که بدین وسیله از همه آنها قدردانی می‌نمایم.